



شهادت و پرشش و پاسخهای حجاب از دیدگاه شهید مطهری

رسول اکرم(ص) هنگامی که می خواست نزد اصحابش برود به آئینه نگاه می کرد، موهای خود را شانه و مرتب می ساخت و می گفت خداوند دوست می دارد بنده اش را که وقتی که به حضور دوستان خود می رود خود را آماده و زیبا سازد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: رسول اکرم(ص) هنگامی که می خواست نزد اصحابش برود به آئینه نگاه می کرد، موهای خود را شانه و مرتب می ساخت و می گفت خداوند دوست می دارد بنده اش را که وقتی که به حضور دوستان خود می رود خود را آماده و زیبا سازد.

ریاضت و رهبانیت

سؤال: پیروان فلسفه رهبانیت و ترك لذت برای اینکه محیط را كاملا با زهد و ریاضت سازگار کنند بین زن و مرد حریم قائل شده پوشش را وضع کرده اند، كما اینکه با چیزهای دیگری هم که نظیر زن محرك لذت و بهجت بوده است مبارزه کرده اند.[1] پاسخ: ما منکر نیستیم که رهبانیت و ترك لذت در نقاطی از جهان وجود داشته است و شاید بتوان پوشش زن را در جاهائی که چنین فکری حکومت می کرده است از ثمرات آن دانست، ولی اسلام که پوشش را تعیین کرد نه در هیچ جا به چنین علتی استناد جسته است و نه چنین فلسفه‌ای با روح اسلام و با سایر دستوره‌ای آن قابل تطبیق است.

اصولا اسلام با فکر ریاضت و رهبانیت سخت مبارزه کرده است و این مطلب را مستشرقین اروپائی هم قبول دارند. اسلام به نظافت تشویق کرده، به جای اینکه شپش را مروارید خدا بشناسد گفته است: «النظافة من الایمان« پیغمبر اکرم(ص) شخصی را دید در حالی که موهایش ژولیده و جامه هایش چرکین بود و بد حال می نمود. فرمود: «من الدین المتعة« یعنی تمتع و بهره بردن از نعمتهای خدا جزو دین است و هم آن حضرت فرمود: «بئس العبد القاذورة« یعنی بدترین بنده شخص چرکین و کثیف است. امیرالمؤمنین(ع) فرمود: «ان الله جمیل یحب الجمال« خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می دارد. امام صادق(ع) فرمود: خداوند زیباست و دوست می دارد که بنده‌ای خود را بیاراید و زیبا نماید و برعکس، فقر را و تظاهر به فقر را دشمن می دارد. اگر خداوند نعمتی به شما عنایت کرد باید اثر آن نعمت در زندگی شما نمایان گردد. به آن حضرت گفتند چگونه اثر نعمت خدا نمایان گردد؟ فرمود به اینکه جامه شخص نظیف باشد، بوی خوش استعمال کند، خانه خود را با گچ سفید کند، بیرون خانه را جاروب کند، حتی پیش از غروب چراغها را روشن کند که بر وسعت رزق می افزاید.

در قدیمی ترین کتابهایی که در دست داریم مانند «کافی« که یادگار هزار سال پیش است، بحثی تحت عنوان «باب الزی و التجمال« وجود دارد. اسلام به کوتاه کردن و شانه کردن مو و به کار بردن بوی خوش و روغن زدن به سر سفارشهای اکید کرده است. عده‌ای از اصحاب رسول اکرم(ص) به خاطر اینکه بهتر و بیشتر عبادت کنند و از لذات روحانی بهره مند شوند ترك زن و فرزند کردند، روزها روزه می گرفتند و شبها عبادت می کردند. همین که رسول خدا(ص) آگاه شد آنها را منع کرد و گفت من که پیشوای شما هستم چنین نیستیم، بعضی روزها روزه می گیرم، بعضی روزها افطار می کنم، بعضی روزها افطار می کنم، قسمتی از شب را عبادت می کنم و قسمتی دیگر نزد زنهای خود هستم. همین عده از رسول خدا(ص) اجازه خواستند که برای اینکه ریشه تحریکات جنسی را از وجود خود بکنند، خود را اخته کنند. رسول اکرم اجازه نداد، فرمود در اسلام این کارها حرام است.

روزی سه زن به حضور رسول اکرم(ص) آمده از شوهران خود شکایت کردند. یکی گفت شوهر من گوشت نمی خورد. دیگری گفت شوهر من از بوی خوش اجتناب می کند. سومی گفت شوهر من از زنان دوری می کند. رسول خدا(ص) بی درنگ در حالی که به علامت خشم ردایش را به زمین می کشید، از خانه به مسجد رفت و بر منبر آمد و فریاد کرد: چه می شود گروهی از یاران مرا که ترك گوشت و بوی خوش و زن کرده اند؟! همانا من خودم هم گوشت می خورم و هم بوی خوش استعمال می کنم و هم از زنان بهره می گیرم. هر کس از روش من اعراض کند از من نیست. دستور کوتاه کردن لباس - برخلاف معمول اعراب که لباسهایشان به قدری بلند بود که زمین را جاروب می کرد - به خاطر نظافت است که در اولین آیات نازل بر رسول اکرم(ص) بیان شده است: «و ثیابك فطهر«

همچنین استحباب پوشیدن جامه سفید یکی به خاطر زیبایی است و دیگر به خاطر پاکیزگی است، زیرا لباس سفید چرك را بهتر نمایان می سازد و به همین موضوع در روایات اشاره شده است: «البسوا البیاض فانه اطیب و اطهر« رسول اکرم(ص) هنگامی که می خواست نزد اصحابش برود به آئینه نگاه می کرد، موهای خود را شانه و مرتب می ساخت و می گفت خداوند دوست می دارد بنده اش را که وقتی که به حضور دوستان خود می رود خود را آماده و زیبا سازد(3)، یعنی لباس سفید بپوشد که زیباتر و پاکیزه تر است.

قرآن کریم آفرینش وسائل تجمل را از لطفهای خدا نسبت به بندگانش قلمداد کرده است و تحریم زینتهای دنیا بر خود، سخت مورد انتقاد قرآن قرار گرفته است: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق« در احادیث اسلامی آمده است که ائمه اطهار(ع) با متصوفه کرارا مباحثه کرده و مرام آنان را با استناد به همین آیه باطل نشان داده اند.

اسلام التذاذ و کامجویی زن و شوهر از یکدیگر را نه تنها تقبیح نکرده است، ثوابهایی هم برای آن قائل شده است. شاید برای يك نفر فرنگی شگفت انگیز باشد اگر بشنود اسلام مزاح و ملاحه زن و شوهر، آرایش کردن زن برای عشو، پاکیزه کردن شوهر خود را برای زن

مستحب می‌داند. در قدیم که به پیروی از کلیسا همه گونه التذاذات شهوانی را تقبیح می‌کردند، این حرفها را تخطئه کرده حتی مسخره می‌دانستند. اسلام التذاذات جنسی در غیر محدوده ازدواج قانونی را به شدت منع فرموده است و آن خود فلسفه خاصی دارد که بعد توضیح خواهیم داد، ولی لذت جنسی در حدود قانون را تحسین کرده است تا جایی که فرموده دوست داشتن زن از صفات پیغمبران است: «#171;من اخلاق الانبياء حب النساء» در اسلام زنی که در آرایش و زینت خود برای شوهر کوتاهی کند، نکوهش شده است کما اینکه مردانی که در ارضاء زن خود کوتاهی می‌کنند نیز نکوهش شده‌اند.

حسن بن جهم می‌گوید: بر حضرت موسی بن جعفر(ع) وارد شدم، دیدم خضاب فرموده است. گفتم رنگ مشکی به کار برده‌اید؟ فرمود: بلی، خضاب و آرایش در مرد موجب افزایش پاکدامنی در همسر اوست. برخی از زنان به این جهت که شوهرانشان خود را نمی‌آریند، عفاف را از دست می‌دهند.

حدیث دیگری از پیغمبر اکرم(ص) که «#171;تنظفوا و لا تشبهوا بالیهود» یعنی نظیف باشید و خودتان را شبیه به یهود نکنید. بعد فرمود زنان یهودی که زناکار شدند بدان جهت بود که شوهرانشان کثیف بودند و مورد رغبت واقع نمی‌شدند. خودتان را پاکیزه کنید تا زنانتان به شما راغب گردند عثمان بن مظعون یکی از اکابر صحابه رسول اکرم(ص) است، خواست به تقلید از راهبان، به اصطلاح تارك دنیا شود، ترك زن و زندگی کرد و لذتها را بر خویش تحریم ساخت. همسرش نزد رسول خدا(ص) آمده عرض کرد یا رسول الله(ص)! عثمان روزها را روزه می‌گیرد و شبها به نماز بر می‌خیزد.

پیغمبر اکرم(ص) خشمگین شده برخاست به نزد وی آمد. عثمان مشغول نماز بود. صبر کرد تا نمازش تمام شد، فرمود: ای عثمان خدا مرا به رهبانیت دستور نفرموده است. دین من روشی منطبق بر واقعیت و در عین حال ساده و آسان است. «#171;لم يرسلني الله تعالى بالرهبانية و لكن بعثني بالحنيفية السهلة السمحة» یعنی خداوند مرا برای رهبانیت و ریاضت نفرستاده است، مرا برای شریعتی فطری و آسان و با گذشت فرستاده است. من نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم و با همسرانم نیز مباشرت دارم. هر کس که دین مطابق با فطرت مرا دوست می‌دارد باید از من پیروی کند. ازدواج یکی از سنتهای من است.[2]

عدم امنیت

سؤال: در زمانهای قدیم بی‌عدالتی و ناامنی بسیار بوده است. دست تجاوز زورمندان و قلدان به مال و ناموس مردم بی‌باکانه دراز بوده است. مردم اگر پول و ثروتی داشتند ناچار بودند به صورت دفینه در زیر خاک پنهان کنند. علت مخفی ماندن گنجها این است که صاحبان طلا و ثروت جرأت نمی‌کردند که حتی بچه‌های خود را از پنهانگاه ثروت خود آگاه سازند. می‌ترسیدند که راز آنها به وسیله بچه‌ها فاش شود و مورد تجاوز و گزند قلدان واقع شوند. بدین ترتیب گاهی اتفاق می‌افتاد که پدر با مرگ ناگهانی از دنیا می‌رفت و فرصت نمی‌کرد اسرار خود را به فرزندش بپردازد. قهرا دارائی او در زیر خاکها مدفون می‌ماند. جمله معروف استر ذهبك و ذهابك و مذهبك: پول و مسافرت و عقیده خود را آشکار نکن، یادگار آن زمانهاست. همان طور که در مورد ثروت امنیت نبود، راجع به زن هم امنیت وجود نداشت. هر کس زن زیبایی داشت ناچار بود او را از نظر زورمندان مخفی نگهدارد، زیرا اگر آنها اطلاع پیدا می‌کردند او دیگر مالك زن خود نبود.

پاسخ: اولاً: این سخن درست نیست که در عصر ما امنیت کامل از نظر زن برقرار است. در همین دنیای صنعتی اروپا و آمریکا که به غلط آنرا دنیای متمدن می‌نامیم، احیاناً آمارهای وحشت‌آوری از زنای به‌عنف می‌خوانیم، چه رسد به دنیای به اصطلاح نیمه متمدن و تمام وحشی. تا در جهان، حکومت شهوت برقرار است، هرگز امنیت ناموسی وجود نخواهد داشت. منتها شکل قضیه تفاوت می‌کند. يك وقت کسی مانند فلان خان و فلان قلدان مأمور مسلح می‌فرستد و زن کسی را از خانه اش بیرون می‌کشند، يك وقت دیگر زنی در يك مجلس شب نشینی و در خلال رقص و دانس «#171;قر» می‌زنند و او را از شوهر و فرزند آواره می‌کنند.

ثانیاً فرض کنیم امنیت ناموسی کامل در جهان برقرار شده و تجاوز به‌عنف دیگر وجود ندارد و هر تجاوزی که به نوامیس مردم می‌شود از روی رضای طرفین است، ریشه نظر اسلام درباره پوشش چیست؟ آیا نظر اسلام به عدم امنیت بوده تا گفته شود اکنون که امنیت کامل برقرار شده دلیلی برای پوشش نیست؟ مسلماً علت دستور پوشش در اسلام عدم امنیت نبوده است. لاقلاً علت منحصر و اساسی، عدم امنیت نبوده است، زیرا این امر نه در آثار اسلامی به عنوان علت پوشش معرفی شده است و نه چنین چیزی با تاریخ تطبیق می‌کند. در میان اعراب جاهلیت پوشش نبود و در عین حال امنیت فردی به واسطه زندگی خاص قبیله‌ای و بدوی وجود داشت. یعنی در همان وقت که در ایران ناامنی فردی و تجاوز به ناموسی به حد اعلی وجود داشت و پوشش هم بود، در عربستان، اینگونه تجاوز بین افراد قبائل وجود نداشت.[3]

استثمار زن

سؤال: حریم پوشش یادگار عهد مالکیت و تسلط مرد است. مردان به خاطر اینکه از وجود زنان بهره اقتصادی ببرند و آنها را مانند بردگان استثمار کنند، آنها را در خانه نگه می‌داشتند و برای اینکه فکر زن را قانع کنند که خود به خود از خانه بیرون نرود و بیرون رفتن را کار بدی بداند فکر حجاب و خانه نشینی را خلق کردند.[4]

پاسخ: اسلام هرگز نخواسته مرد از زن بهره‌کشی اقتصادی کند، بلکه سخت با آن مبارزه کرده است. اسلام با قطعیت تامی که به هیچ وجه قابل مناقشه نیست، اعلام کرده است که مرد هیچ گونه حق استفاده اقتصادی از زن ندارد. این مسأله که زن استقلال اقتصادی دارد از مسلمات قطعی اسلام است. کار زن از نظر اسلام متعلق به خود او است. زن اگر مایل باشد کاری که در خانه به وی واگذار می‌شود مجانا و تبرعاً انجام می‌دهد و اگر نخواهد مرد حق ندارد او را مجبور کند، حتی در شیر دادن به طفل با اینکه زن اولویت دارد، اولویت او موجب سقوط حق اجرت او نیست، یعنی اگر زن بخواهد فرزند خود را در مقابل مبلغی فرضاً يك هزار ریال در ماه شیر دهد و زن بیگانه‌ای هم به همین مبلغ حاضر است شیر بدهد پدر باید اولویت زن را رعایت کند. فقط در صورتی که زن مبلغ بیشتری

مطالبه می کند، مرد حق دارد طفل را به دایه ای که اجرت کمتری می گیرد بسپارد. زن می تواند هر نوع کاری همین قدر که فاسدکننده خانواده و مزاحم حقوق ازدواج نباشد، برای خود انتخاب کند و درآمدش هم منحصرًا متعلق به خود اوست. اگر اسلام در حجاب، نظر به استثمار اقتصادی زن داشت بیگاری زن را برای مرد تجویز می کرد، معقول نیست که از يك طرف برای زن استقلال اقتصادی قائل شود و از طرف دیگر حجاب را به منظور استغلال و استثمار زن وضع کند.[5]

حسادت

سؤال: علت اینکه مرد، زن را بدین شکل اسیر نگه می دارد حس خودپرستی و حسادت وی نسبت به مردان دیگر است. مرد نمی خواهد و رشک می برد که مردان دیگر ولو با نگاه کردن یا هم سخن شدن، از زنی که تحت اختیار اوست استفاده کنند.[6]

پاسخ: ما معتقدیم که حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت اند و هر کدام ریشه ای جداگانه دارد. ریشه حسادت خودخواهی و از غرائز و احساسات شخصی می باشد ولی غیرت يك حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسلها در وجود بشر نهاده است. سر اینکه مرد حساسیت فوق العاده ای در جلوگیری از آمیزش همسرش با دیگران دارد اینست که خلقت مأموریتی به او داده است تا نسب را در نسل آینده حفظ کند. این احساس مانند احساس علاقه به فرزند است. همه کس می داند که فرزند چقدر رنج و زحمت و هزینه برای پدر و مادر دارد. اگر علاقه مفرط بشر به فرزند نبود احدی اقدام به تناسل و حفظ نسل نمی کرد. اگر حس غیرت هم در مرد نمی بود که محل بذر را همیشه حفاظت و پاسبانی کند، رابطه نسلها با یکدیگر به کلی قطع می شد، هیچ پدری فرزند خود را نمی شناخت و هیچ فرزندی پدر خود را نمی دانست کیست؟ قطع این رابطه، اساس اجتماعی بودن بشر را متزلزل می سازد. پیشنهاد اینکه انسان به عنوان مبارزه با خودخواهی غیرت را کنار بگذارد درست مثل اینست که پیشنهاد شود غریزه علاقه به فرزند را بلکه به طور کلی مطلق حس ترحم و عاطفه انسانی را به عنوان اینکه يك میل نفسانی است ریشه کن کنیم. در صورتی که این يك میل نفسانی در درجات پائین حیوانی نیست بلکه يك احساس عالی بشری است.

علاقه به حفظ نسل در زن هم وجود دارد، ولی در آنجا احتیاج به پاسبان نیست، زیرا انتساب فرزند به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه پذیر نیست. از اینجا می توان فهمید که حساسیت زن در منع آمیزش شوهر با دیگران، ریشه ای غیر از حساسیت مرد در این مسأله دارد. احساس زن را می توان ناشی از خودخواهی و انحصار طلبی دانست ولی احساس مرد چنانکه گفتیم جنبه نوعی و اجتماعی دارد. ما منکر حس حسادت و انحصار طلبی مرد نیستیم. ما مدعی هستیم که فرضاً مرد حسادت خود را با نیروی اخلاقی از میان ببرد يك نوع حس اجتماعی در او وجود دارد که اجازه نمی دهد با آمیزش همسرش با مردان دیگر موافقت کند. ما مدعی هستیم منحصر شناختن علت حساسیت مرد به حس حسادت که يك انحراف اخلاقی فردی است اشتباه است.

در برخی از روایات نیز بدین موضوع اشاره شده است که آنچه در مردان است غیرت است و آنچه در زنان است حسادت. برای توضیح این مطلب می توان يك نکته را افزود و آن این است که زن همیشه می خواهد مطلوب و معشوق مرد باشد. جلوه گری ها، دلبری ها و خودنمایی های زن همه برای جلب نظر مرد است. زن آنقدر که می خواهد مرد را عاشق دلخسته خویش کند طالب وصال و لذت جنسی نیست. اگر زن نمی خواهد که شوهرش با زنان دیگر آمیزش داشته باشد به این جهت است که می خواهد مقام معشوق بودن و مطلوب بودن را خاص خود کند، ولی در مرد چنین احساسی وجود ندارد. این گونه انحصار طلبی در سرشت مرد نیست، لهذا اگر مانع آمیزش زنش با مردان دیگر است، ریشه اش همان حراست و نگهبانی نسل است.[7] *

فهرست منابع

1- فلسفه حجاب ص 34

2- همان ص 38

3- همان ص 45

4- همان ص 51

5- همان ص 57

6- همان ص 59

7- همان ص 61

ادامه دارد ...

*نویسنده: دکتر پریش کوششی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی